

قداست تعلیم و تربیت

ناصر کمالیان

تعلیم و تعلم در اسلام بر پایه‌ای خاص از معنویت قرار دارد معلم و شاگرد یکدیگر را می‌سازند. معلم صالح شاگرد را بر مصالح خود ترجیح می‌دهد و شاگرد سخن و امر استاد را بر هر امر دیگر برتر می‌شمارد. این حالت را بخصوص در کودکان میتوان یافت. که صادقانه به معلم دل می‌بندند و رفتار و گفتار برایشان سند صحت و سقم همه اموری خواهد بود که در پیرامون آنها جریان دارد. گوئی پیوندی نامرئی دل معلم و شاگرد را بهم مربوط کرده به گونه‌ای که بی قید و شرط یکدیگر را دوست دارند و در همین دوستی است که اعتلا و کمال شاگرد هدف زندگی معلم میشود و سخن معلم برای شاگرد حجت و سند میشود. بین معلمین و متعلمین راستین بدون وجود عامل کنترل کننده‌ای از خارج این چنین رابطه‌ای برقرار میشود. این روحانیت، معنویت و قداست این رابطه است که معلم و شاگرد را اسیر و دل بسته هم می‌سازد. هر چند رابطه معلم و متعلم بیشتر از این روحیه برخوردار باشد، از نظر اسلام جریان تعلیم و تربیت راحت‌تر و ثمر بخش برقرار میشود و تربیت متریبی برای مربی بصورت وظیفه‌ای غیر-

قابل تردید و لذت بخش جلوه خواهد کرد.

مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا " (۱)
 " هر کس حرفی به من بیاموزد مسلماً " مرا بنده خود کرده است. "





دیگری میگوید: سوگند بخداوند بخاطر هیبت استاد جرات و شهامت آنرا نداشتم که در برابر دیدگان او آب بیاشامم. (۲) این معلم بزرگ اسلامی باز در این باره چنین گفته است.

"..... باید او بداند که اظهار ذلت و خاکساری در برابر استاد خود نوعی از عزت و سرافرازی است. خضوع شاگرد در برابر استاد افتخاری است برای او و تواضعش موجب رفعت و بلند پایگی او میگردد.... (۳). شهید ثانی در جای دیگر میفرماید:

" باید خطاب و جواب دانشجو به استاد و گفتار او در باره وی چه در حضور و چه در غیاب وی توأم با تحلیل و تکریم باشد.... واژه‌هایی که بوسیله آنها استاد را مورد خطاب قرار میدهد باید بصورت صیغه جمع باشد. " (۴)

واضح است که آنگاه کوچک نفسی و خاکساری انسان مایه رفعت و بزرگی او میگردد که مقامی که از طرف او مورد تکریم قرار میگیرد، خود از معنویت و قداست برخوردار باشد. تا کسی خود دارای عزت و شرافت نباشد، تکریم و بزرگداشت او نمیتواند موجب مجد و بزرگی و افتخار تکریم کننده گردد. کرامت و بزرگی باید در خود آن مرجع موجود باشد.

و باز شهید ثانی در باب این رابطه ظریف و معنوی و پاسداری از حریم آن چنین معتقد است که شاگرد باید در هنگام خطاب به استاد از بهترین عنوانها استفاده کرده او را مولا و سیدی خطاب نماید. او در مورد حضور دانشجو در کلاس نیز چنین فرموده است:

" باید شاگرد پیش از حضور استاد در جلسه حاضر گردد و باید خود را به چنین پیش گامیها

آنگاه که حضرت علی (ع) در باره معلم خود اینچنین سخن میگوید، مردمی که امیرالمؤمنان را لنگر زمین و آسمان و عارف و آگاه نسبت به همه حقایق عالم میدانند نسبت به معلم چه تصور و اندیشه‌ای خواهند داشت، جز اینکه دریابند که مقام معلم واقعی آن اندازه روحانی و باشکوه است که لایق مقدس شمردن است و باید احترامی توأم با تقدیس برای او قائل بود. از دیدگاه علماء اسلام احترام و عزت معلم در نظر شاگرد باید بدان پایه باشد که در صد کشف معایب استاد خویش بر نیاید، و سعی بر این نداشته باشد تا عواملی را بیابد که از اهمیت مربی و راهنمایش در نظر او بکاهد و شدت علاقه و توجه او را نسبت به معلمش کم نماید. بلکه جز بدیده نیکو در معلم ننگرد و جز خوبی و صلاح از او باور نداشته باشد. شهید ثانی (رحمه‌الله علیه) در این زمینه چنین عقیده دارد.

" شاگرد باید با دیده تکریم و احترام به استاد خود بنگرد و از عیوب او چشم پوشی کند زیرا اگر شاگرد با چنین دیدگاه احترام آمیز به استاد خود بنگرد میتواند بهره گیری از استاد و نفوذ بیان و گفتار او در ذهنش کمک نماید. یکی از علماء سلف، آنگاه که روانه جلسه درس استاد میشد، مقداری صدقه به فقیر میداد و میگفت خدایا عیب معلم و استادم را از نظرم مخفی نگهدار و برکات علم و دانش او را از من نگیر. دانشمند دیگری میگوید: بخاطر هیبت و ابهت استاد برگهای کتاب رابه‌آهستگی و ظرافت خاصی تورو می کردم تا صدای فروافتادن و خش و خش آنها به گوش استاد نرسد....."



برطرف کردن بوهای نامطبوع برآورده ساخته و بهترین و زیباترین جامه را در بر کند و بویژه اگر میخواهد وارد جلسه درس و مذاکرات علمی گردد این مسائل را دقیقاً رعایت کند. زیرا مجلس علم بعنوان مرکز و کانونی برای یاد خدا و گردهم آئی افراد برای عبادت و بندگی او بشمار می آید.... (۷)

توجه به سخنان این عالم ربانی که الهام گرفته از احادیث و اخبار و روایات معصومین علیهم السلام و آیات قرآن مجید است (۸) بوضوح لزوم رابطه احترام آمیز بین معلم و متعلم را تا حد تقدس گوشزد مینماید. زیرا همانطوریکه مشاهده میشود همه آدابی را که برای حضور در جلسه درس و محضر استاد بر سرآمده است در حقیقت همان آدابی است که در هنگام عبادت باید رعایت شوند. این عالم بزرگ اسلامی در ادامه سخنانش در این باب چنین فرموده است:

"... اما اگر یکی از شاگردان و حاضران جلسه، باخود استاد بر خلاف ادب و نزاکت رفتار کند، همه شاگردان موظفند در حد توانائی خویش او را توبیخ نموده و طردش سازند و در صدد حمایت و یاری از استاد برآیند. ولو آنکه خود استاد بمنظور حق استادی خویش از جسارت چنین شاگردی چشم پوشی و گذشت نماید." (۹)

بیان این مطلب این مفهوم را به ذهن القاء میکند که اسائه ادب به استاد تجاوز به حریم مقدس کلاس است. زیرا استاد محور و مرکز جلسه درس است و عدم رعایت احترام او بی احترامی به معنویت همه جمع تشکیل دهنده کلاس میباشد. عبارت دیگر معلم حریم اصالت و مجد جلسه درس است. او پاسدار و نگهبان

و مبادرتهایی تمرین دهد و خویشتن را وادار سازد که همواره پیش از استاد در جلسه درس حضور بهمیرساند." (۴)

رعایت ادب و نزاکت تا این درجه که شخص خود را ملزم به حضور پیش از وقت در جایی و انتظار قدوم کسی را داشتن جز برای آنانکه در حد تقدس دوست داشتنی و با احترام هستند موجه جلوه نمیکند. سخنان دیگری از طرف همین عالم بیان شده است که احترام توام با تقدس را هنگام ورود به محضر استاد مطرح مینماید.

" دانشجو نباید بدون اجازه وارد مجلس خصوصی استاد گردد. اعم از اینکه استاد تنها بسر برد و یا آنکه دیگران نیز در حضور او باشند اگر برای ورود به مجلس استاد کسب اجازه کند و استاد هم متوجه کسب اجازه او باشد، ولی در عین حال اجازه ندهد باید برگردد و برای کسب اجازه مجدد درخواست خود را تکرار کند. و اگر در اینکه استاد متوجه کسب اجازه او شده احساس شک و تردید نماید درخواست خود را سه بار تکرار کند. (۶)

" شاگرد باید با وضع و هیئتی کامل و طرزی مطلوب وارد بر استاد گردد و در حالی که دلش از هرگونه خلجانهای مشغول کننده خالی است و با چهره‌ای شاداب و قلبی سرشار از نشاط و درونی گشوده و با شرح صدر و ذهنی صاف و پاکیزه با استاد روبرو گردد. او نباید در حال کسالت و چرت زدن و خشم و گرسنگی و تشنگی وارد محضر استاد شود. هنگام ورود بر استاد لازم است نظیف و پاکیزه بود و نیاز خود را از لحاظ پیراستن ناخن و موهای زائد و

دکتر سید محمد باقر حجتی (۱۳۵۹ ص ۳۳۳ و ۳۳۱)

۳- آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ترجمه دکتر

سید محمد باقر حجتی (۱۳۵۹ ص ۳۳۴)

۴- استناد به کلام شهید ثانی نقل از کتاب

آداب تعلیم و تعلم در اسلام ص ۷۴ همین رساله

۵- آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ترجمه دکتر

سید محمد باقر حجتی (۱۳۵۹ ص ۳۸۱)

۶- پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام، دکتر

محمد غفرانی (۱۳۵۷ ص ۱۳)

۷- پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام، محمد

حقایق و ناشر علم است. استاد درس مصدر

عروج آدمی به پایگاه کمال مطلوب انسانی

است. از این رو هیچ کس حق توهین و اسائه

ادب نسبت به او را ندارد بنظر میرسد که عدول

از حریم استاد راه را برای زیرپا گذاشتن احترام

سایر شاگردان باز میکند. بدین جهت است که

همه شاگردان مسئولند از این حرمت دفاع کنند

و خاطی را سر جای خود بنشانند. و بدین

وسیله جو معنوی و فضای مقدس کلاس را مصون

و محفوظ نگهدارند. مرحوم شهید ثانی در

باب رعایت حرمت استاد سخن را به حدود و



غفرانی (۱۳۵۷ صفحات ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۴۲)

۸- آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ترجمه دکتر

سید محمد باقر حجتی (۱۳۵۹ ص ۳۶۱ و ۲۶۲)

۹- پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام، دکتر محمد

غفرانی (۱۳۵۹ صفحات ۱۸ و ۱۹)

۱۰- پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام دکتر

محمد غفرانی (ص ۱۱۳)

فاصله جلوس شاگرد نسبت به معلم کشانده و

می گوید:

"طالب علم باید حسی المقدور از جایگاه

استاد زیاد فاصله نگیرد تا چهره او را بخوبی

بیند ولی نباید به جایگاه استاد آنقدر نزدیک

شود که حمل بر اسائه ادب گردد..." (۱۰)

۱ و ۲- آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ترجمه